## **فهرست:**

[خطبه اول 3](#_Toc453150408)

[توصیه به تقوا 3](#_Toc453150409)

[اخلاق اسلامی 3](#_Toc453150410)

[اخلاق اجتماعی اسلام 4](#_Toc453150411)

[لازمه‏ی داشتن زندگی خوب و سالم 4](#_Toc453150412)

[غرض از طرح مباحث اخلاقی، بیانِ اصول ارتباطِ مردم با یکدیگر 4](#_Toc453150413)

[حسن خُلق و خوش‏اخلاقی و معیار آن 5](#_Toc453150414)

[استثناء شدنِ حسن خلق در مقام امربه‌معروف و نهی از منکر 5](#_Toc453150415)

[تعبیرات درخصوص حسن خُلق در روایات 6](#_Toc453150416)

[حسن خُلق، جبران نقص عبادات 6](#_Toc453150417)

[حسن خلق، نشانه‏ی محبت افراد به یکدیگر 6](#_Toc453150418)

[حسن خلق، بالاترین ثواب در ترازوی اعمال 6](#_Toc453150419)

[حسن خلق، کمال یا افضل ایمان 7](#_Toc453150420)

[ثواب حسن خُلق و خوش‏اخلاقی 7](#_Toc453150421)

[اوصاف مؤمن 8](#_Toc453150422)

[تفسیر«خُلُقٍ عَظِيمٍ» 8](#_Toc453150423)

[حسن خُلق، نصف دین 10](#_Toc453150424)

[آثار حسن خُلق و روابط سالم اجتماعی 10](#_Toc453150425)

[اثرِ اخرویِ اخلاقِ خوب 10](#_Toc453150426)

[اثرِ دنیوی و اجتماعی اخلاقِ خوب 11](#_Toc453150427)

[جامعه‏ی آباد با حسن خُلق 12](#_Toc453150428)

[خوش‌اخلاقی منشأ دوری از ذنوب 13](#_Toc453150429)

[دعا و سوره‏ی پایانی 13](#_Toc453150430)

[خطبه دوم 13](#_Toc453150431)

[توصیه به تقوا 14](#_Toc453150432)

[هفته‌ی بسیج 14](#_Toc453150433)

[هدف اصلی از بزرگداشت این هفته 15](#_Toc453150434)

[بسیجیان، الگوهای نمونه و کم‏نظیر 15](#_Toc453150435)

[روحیه‏ی بسیجی 15](#_Toc453150436)

[برخی از خصوصیات روحیه‌ی بسیجی 15](#_Toc453150437)

[عدم توجه مردم به مسائل سیاسی، ضعف برخی جوامع 16](#_Toc453150438)

[عدم توجّه جوانان به مسائل سیاسی، راه نفوذ دشمن 16](#_Toc453150439)

[روش استعمار برای جدا کردن جوانان از سیاست 16](#_Toc453150440)

[امیرالمؤنین نمونه‏ی اعلای بسیجی 18](#_Toc453150441)

[حفظ و توجه به روحیات بسیجی 18](#_Toc453150442)

[دعای پایانی 19](#_Toc453150443)

[سوره‏ی پایان خطبه‏ی دوم 20](#_Toc453150444)

# خطبه اول

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[2]](#footnote-2) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## توصیه به تقوا

همه‏ی شما برادران و خواهران گرامی و خودم را به پارسائی، اجتناب از گناه، تهذیب نفس، شُکر و ذِکر خداوند در همه‏ی حالات سفارش و دعوت می‌کنم؛ امیدواریم خداوند به برکت اولیاء و مقرّبانِ درگاهِ خودش، به همه‏ی ما توفیقِ بندگیِ خالصانه، پارسایی در این دنیا و احتراز از گناه، عنایت بفرماید.

## **اخلاق اسلامی**

در ادامه‏ی مباحث خطبه‏های اول که پیرامون معارف اسلامی بود، به اخلاق اسلامی می‏رسیم که به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم می‏شود.

#### اخلاق اجتماعی اسلام

بخشی از اخلاق اسلامی مربوط به امور فردی انسان با خودش و خداست که اخلاق فردی اسلام نامیده می‏شود؛ بخش دیگری از اخلاق اسلامی مربوط به رابطه‌ی انسان با دیگران، مردم و جامعه در محیط منزل، شغل و تمام جامعه است که اخلاقِ اجتماعیِ اسلام نامیده می‏شود.

##### لازمه‏ی داشتن زندگی خوب و سالم

برای داشتن جامعه‏ای سالم همراه با تربیتِ خوب، باید معیارها و رابطه‌های معیّن شده برای ارتباط انسان‏ها با یکدیگر رعایت شود؛ در حقیقت بدون رعایت مسائل اخلاقی و اجتماعی اسلام، جامعه به سلامت فکری، روحی و روانی نخواهد رسید؛ بنابراین رعایت مسائل اخلاقی خیلی مهم است.

در صورتی که همه یا اکثریت جامعه، مقیّد به رعایت دستورات اخلاقی و اجتماعی اسلام در ارتباط با یکدیگر باشند، جامعه و محیط سالم می‌شود و بالطبع افراد خوبی هم پرورش پیدا می‌کنند؛ ولی اگر جامعه و محیط سالم نبود، کمتر کسی می‌تواند خودش را حفظ کند؛ بنابراین فرهنگ، اخلاق و برخورد جامعه و اجتماع با یکدیگر، باید اخلاق و رفتارِ سالمی باشد.

اگر به سلامت اخلاقی و رعایت دستورات اخلاقی توجه شود و ما (کسانی که اهل تعبّد و توجّه به دستورات اسلام هستند و می‌خواهند خود را با آئین‌نامه و ضوابط اسلام تطبیق دهند)، از خودمان شروع کردیم، جامعه خیلی فرق می‌کند؛ البته در اصل غرض همه‌ی ما عمل بر اساس تعالیم و دستورات نورانی اسلام است، منتهی گاهی در جزئیات گیر می‌کنیم و گاهی به همه‌ی جوانب قضیه توجّه نداریم.

##### غرض از طرح مباحث اخلاقی، بیانِ اصول ارتباطِ مردم با یکدیگر

هدف از این بحث، طرح بعضی از اصول و معیارهای اصلیِ ارتباطِ مردم با یکدیگر است که باید در همه جا رعایت شوند؛ اخلاق اجتماعی اسلام، معیارهایی کلی دارد که باید اصل در محیط خانه، کار، تحصیل، ارتباط با دوست و رفیق و هر جایی که انسان با افراد جامعه برخورد دارد، بر رعایت این معیارها قرار باشد؛ اینها اجتماعیات و اخلاق عمومی اسلام است که باید در همه‌جا رعایت شود.

البته در محیط خانه، کار، تحصیل و رابطه با استاد و رفیق، قواعد و دستورات ویژه‌ای هم وجود دارد که بعدها اشاره خواهد شد.

##### حسن خُلق و خوش‏اخلاقی و معیار آن

یکی از معیارها و دستورات مهمّ اسلام، حسن خُلق و خوش‌اخلاقی با یکدیگر در همه‌جاست؛ معیار حسن خُلق این است که:

1. گفتار انسان، ملایم، آرام و سنجیده باشد؛
2. رفتار انسان حساب شده باشد؛
3. همه با چهره‌ای باز و رویِ گشاده با یکدیگر برخورد کنند؛

اینها معیار حسن خلق است که البته افراط‌وتفریط، موارد تبصره و استثنائاتی هم دارد.

##### استثناء شدنِ حسن خلق در مقام امربه‌معروف و نهی از منکر

حسن خُلق، در مقام امربه‌معروف و نهی از منکر، استثناء شده است، زیرا در این مقام، انسان می‌تواند در صورت نیاز، اخم هم بنماید. پیامبر اسلام که آیه‏ی شریفه «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»[[3]](#footnote-3)، «به‌راستی تو بر بلندایِ سجایایِ اخلاقیِ عظیمی قرار داری.» درباره‌ی ایشان نازل شده و او را دارای اخلاق خیلی والا و محسنات اخلاقی که رمز پیشرفت و پیروزی اسلام بود، معرفی کرده است؛ درعین‌حال، جایی که دین نیاز داشت، تند می‌شد؛ بنابراین اصلِ حسنِ خُلق، استثناء هم دارد ولی اصل در جامعه‌ی اسلامی «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»[[4]](#footnote-4)، «بر کافران سرسخت [و سازش‏ناپذیر] و در بین خودشان [با یکدیگر] مهربان‌اند.» است؛ این رحمت، مودّت، دلسوزی، علاقه و محبّت نسبت به یکدیگر باید در جامعه باشد، همه خودشان را از هم و مرتبط با هم بدانند.

##### تعبیرات در خصوص حسن خُلق در روایات

درباره‌ی حسن خلق و خوش‌اخلاقی، روایات و تعبیرات فروانی آمده است که بعضی در ابواب معیّنی از کتب روایی جمع شده است و بعضی دیگر هم در ابواب دیگر پراکنده‏اند؛ به‌عنوان‌مثال در بحارالانوارِ مرحوم علامه مجلسی، ابواب مختلفی درباره‌ی خوش‌اخلاقی و مسائلی که مربوط به محبّت، مودّت و اخلاق خوب بین مردم و جامعه است، روایاتی دارند؛ مثلاً جلد 67، 71 و چند جلد دیگر ابوابی در این زمینه دارند.

###### حسن خُلق، جبران نقص عبادات

عبادات و تکالیف عبادی ما، معمولاً کاستی‏ها و نقایصی دارد که به‌عنوان‌مثال برای جبران نقایص نماز، نوافل و نمازهای مستحبّی قرار داده شده‏اند؛ در چند روایت آمده است که یکی از مسائل جبران کننده‏ی نقصان و اشکالات عبادات، حسن خلق و اخلاق خوب است.

###### حسن خلق، نشانه‏ی محبت افراد به یکدیگر

در روایات هست که حسن خلق خوش برخوردی که نشانه‌ی محبت و علاقه‌ی افراد جامعه به همدیگر است

###### حسن خلق، بالاترین ثواب در ترازوی اعمال

در روایتی وارد شده است:

«افضل ما یوضع فی میزان امرء یوم القیامۀ»[[5]](#footnote-5)، بالاترین و بهترین ثوابی که در کفه‌ی ترازوی اعمال ما در روز قیامت می‌نهند برخورد خوب با مردم و روابط خوب در جامعه است؛ یا در تعبیر دیگری دارد

###### حسن خلق، کمال یا افضل ایمان

«حسن الخلق افضل الایمان»[[6]](#footnote-6)، یا حسن خلق، کمال ایمان است.

بنابراین و با توجه به روایات فوق، نباید این‌طور فکر شود که ادای صحیحِ نماز یا عبادات دیگر موجب استغنای از توجه به مسائل اجتماعی می‏شود بلکه مسئله‌ی اخلاقی خیلی مهم است و با رجوع به روایات می‌بینیم، درهمان حدّ که مثلاً روایت در ترغیب به نماز شب و نافله‌ی شب داریم، همان حدود روایت در خوش‌اخلاقی هم داریم.

اسلام دین فردی نیست و اجتماعی است؛ اسلام دینی است که جامعه‌ی سالم می‌خواهد و جامعه‌ی سالم همان‌طور که به عبادت، رابطه‌ی خوب با خدا و اخلاص، تقوا و معنویت درونی نیاز دارد، در ارتباط با دیگران هم باید بااخلاقِ خوب و معنویت، برخورد کند؛ البته گفته شد که استثناء هم دارد.

###### ثواب حسن خُلق و خوش‏اخلاقی

در ثواب برخورد و معاشرت خوب در امور اجتماعی روایتی دارد که «مثل اجر الصائم القائم»[[7]](#footnote-7)، «ثواب کسی که بااخلاق و معاشرت خوب با مردم زندگی می‌کند، مثل کسی است که روز روزه‌دار است و شب را به عبادت خدا می‌گذراند.»

و در روایت دیگری دارد که «اکثر ما تلج به امتی الجنۀ تقوی الله و حسن الخلق»[[8]](#footnote-8)، «بیشترین چیزی که مردم و امت من با آن به بهشت می‌روند، تقوای خدا و اخلاق خوب است.»

البته اخلاق خوب هم مصداقی از تقوای خداست که به جهت تأکید بیشتر آمده است.

برخورد و معاشرت خوب و اخلاق پسندیده، در همه‌ی مراحل احتضار، فشار قبر، برزخ، روز قیامت و بعد ورود در جهنم تأثیرات عجیبی دارد و تأکید شده است که تأثیر زیادی دارد.

«إِنَّ اَللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيُعْطِي اَلْعَبْدَ مِنَ اَلثَّوَابِ عَلَى حُسْنِ اَلْخُلُقِ كَمَا يُعْطِي اَلْمُجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اَللَّهِ»[[9]](#footnote-9)، «ثواب کسی که بااخلاق حسنه و معاشرت جمیل با مردم برخورد کند ثواب انسانی است که در راه خدا جهاد می‌کند.»

##### اوصاف مؤمن

در اوصاف مؤمن این است که انس می‌گیرد با دیگران و با روی باز

«بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ»[[10]](#footnote-10)، «شادی مؤمن در سیمای اوست و غمش در دلش.»

مؤمن دریایی از غم آخرت و سعادت و شقاوت خودش را دارد، اما این دریای غم، در دل اوست و روی و سیمای او در برخورد با دیگران، باز و روشن است؛ البته غم مؤمن، غم دین، اسلام، سعادت و شقاوت اخروی است، ولی همین غم‌ها هم در دلش است و برخوردش با مردم حساب شده و سنجیده است.

##### تفسیر «خُلُقٍ عَظِيمٍ»[[11]](#footnote-11)

تفاسیر مختلفی در خصوص این آیه‏ی شریفه و معنای «خُلُقٍ عَظِيم» وارد شده است که قدر متیقن و آنچه از روایات برمی‏آید، «برخورد خوب پیامبر اکرم» است؛ در روایت دیگری وارد است که «خُلُقٍ عَظِيم» را یکی از ائمه معصومینعلیهم‏السلام معنا کرده است و می‌فرماید:

«خُلُقٍ عَظِيم همان آیه‌ی «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»[[12]](#footnote-12) است.»

بنابراین «خُلُقٍ عَظِيم» را به سه دستوری که در این آیه‌ی شریفه آمده است، تفسیر کرده‌اند:

1. بنا بر گذشت و بخشش است؛
2. بنا بر امربه‌معروف است؛
3. از انسان‌های ناشایست روی‌گردان.

خیلی جالب است که «خُلُقٍ عَظِيم»، در تفسیرِ بین عفو و امربه‌معروف جمع شده است؛ یعنی همان‌طور که خیلی ملایم و نرم هستی و با مردم معاشرت خوب ‌داری، امربه‌معروف هم باید داشته باشی که یکی از مراتب امربه‌معروف هم این است که اگر با روی خوش نشد با اخم کردن؛ بنابراین یک بخش اخلاق خوب، معاشرت خوب است و در کنار آن، شدّت و حدّت در راه خداست که این دو را در کنار هم قرار داده‌اند.

در روایت دیگری دارد که منظور از «حَسَنَةً» در

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»[[13]](#footnote-13)

اخلاق خوب است.

در روایت دیگری پیامبر اکرم می‌فرماید:

«محبوب‌ترین شما نزد من کسی است که اخلاق خوب داشته باشد.»[[14]](#footnote-14)

همچنین در روایت دیگری می‌فرمایند:

«نزدیک‌ترین شما روز قیامت به من کسی است که معاشرت، برخورد، رفتار و اخلاق او با مردم بر پایه‌ی نیکی و خوبی قرار داشته باشد.»[[15]](#footnote-15)

همچنین در روایات دیگری اخلاقِ خوب، خیرِ قرین و بهترین دوست برای انسان معرفی شده است.

این تعبیرات ثواب و فضیلت اصلِ اخلاق اجتماعی اسلام را روشن می‌کند که یک مسلمان اگر بخواهد خود را با دین اسلام تطبیق دهد باید بداند همان اندازه که در ترغیب و فضیلت به یک عبادت فردیِ مخفیِ مثل نماز شب روایت و ثواب ذکر شده است به همان اندازه بر اخلاق و برخورد خوب اجتماعی هم تأکید شده است.

در واقع همان‌طور که اسلام می‌خواهد، ما از درونِ خود انسان‌های پاک، مرتبط باخدا و متوجّه به خدا و اهل عبادت شب‌هنگام باشیم به همان اندازه می‌خواهد، روابط، برخورد و معاشرت ما در همه‌ی محیط‌ها خوب باشد؛ هم در خانه، محل کار و تحصیل و هم نسبت به همسایه؛ در مورد همسایه در آینده بحث بیشتری خواهیم کرد.

##### حسن خُلق، نصف دین

در روایتی از پیامبر اکرم نقل شده است:

«حُسْنُ اَلْخُلُقِ نِصْفُ اَلدِّينِ»[[16]](#footnote-16)، «نصف دین یک مؤمن اخلاق و معاشرت خوب است.»

##### آثار حسن خُلق و روابط سالم اجتماعی

آثاری که در روایات از نظر فردی و اجتماعی برای اخلاق، برخورد و روابط سالم اجتماعی بیان شده است، از روایات به‌خوبی قابل استفاده است.

###### اثرِ اخرویِ اخلاقِ خوب

اولین اثرِ و یکی از آثار اخلاق خوب، از بین بردن گناهان و کفاره‌ای برای گناهان است؛ در روایتی از امام صادقعلیه‏السلام با سندی بسیار خوب و کاملاً معتبر نقل شده است:

«إِنَّ اَلْخُلُقَ اَلْحَسَنَ يَمِيثُ اَلْخَطِيئَةَكَمَا تَمِيثُ اَلشَّمْسُ اَلْجَلِيدَ»[[17]](#footnote-17)، «اخلاق خوب و معاشرت نیکو گناه را ذوب می‌کند، همان‌طور که تابش خورشید یخ را آب و ذوب می‌کند.»

اگر توجه داشته باشیم که اخلاق خوب نصف دین و کمال دین است، خیلی از دعاوی و مشکلات اجتماعی که گاهی افراد متدین هم هستند، حل می‏شوند؛ زیرا بنا را برگذشت و برخورد خوب می‌گذارند؛ البته الآن هم همین‌طور است، ولی روابط اجتماعی باید بیش از این سالم باشد؛ این اثرِ اولِ حسنِ خُلق است.

###### اثرِ دنیوی و اجتماعی اخلاقِ خوب

از نظر دنیوی هم اخلاق خوب، آثار فراوانی در روح و روانِ فرد دارد و خیلی مؤثر است؛ برای حسن خُلق، از نظر روحی و روانی در روایات تعبیرات جالبی وجود دارد؛ به‌عنوان‌مثال در روایتی دارد:

«لاَ عَيْشَ أَهْنَأُ مِنْ حُسْنِ اَلْخُلُقِ»[[18]](#footnote-18)، «هیچ زندگی سالم‌تر و گواراتر از خوش‌اخلاقی نیست.»

این، همان جنبه‌ی روحی حسن خُلق است و در باب قناعت هم دارد که غنی‌ترین انسان، قانع‌ترین است و غنا را نباید در بیرون جست؛ زیرا بی‌نیازی یعنی روحِ انسان بزرگ باشد و روح بزرگ در صورت، بی‌نیاز و باعظمت است.

در باب حسن خُلق هم همین‏گونه است و هیچ زندگی گوارایی، بدون حسن خلق نمی‌شود و تا روابط اجتماعی و برخوردها محاسبه شده و بر اساس موازین اسلام نباشد، روحیه و زندگی سالم پیدا نمی‌شود؛ این گوارایی و سلامت درون انسان است و کسی که بنا را بر برخورد سالم با دیگران بگذارد، زنگی آرامی خواهد داشت و این آرامی را به جامعه هم منتقل می‌نماید.

در روایت دیگری هست که

«حسن الخلق خیر قرین»[[19]](#footnote-19)، «بهترین همراه و دوست، اخلاق خوب و رابطه‌ی سالم اجتماعی است.»

زیرا با اخلاق خوب دوستان زیادی پیدا می‌شوند و با افراد خوبی می‌توان ارتباط برقرار کرد.

حسن خُلق، طبق روایات، در افزایش عمر، وسعت رزق و روزی و زندگی راحت، تأثیر دارد؛ برخی تأثیرات عقلانی هم هست زیرا انسان خوش‌اخلاق رابطه‌اش با دیگران خوب است و معامله و تبادلش هم خوب می‏شود در نتیجه زندگی او از نظر مادّی و معنوی هم بهتر می‌شود.

###### جامعه‏ی آباد با حسن خُلق

تأثیرات اجتماعی حسن خُلق که اشاره شد و از روایات هم قابل استفاده است، امر روشنی است و اگر بنای افراد جامعه‌ای بر روابط سالم و برخورد و معاشرت خوب با یکدیگر باشد، روشن است که آن جامعه آباد می‌شود.

«اَلْبِرُّ وَ حُسْنُ اَلْخُلُقِ يَعْمُرَانِ اَلدِّيَارَ وَ يَزِيدَانِ فِي اَلْأَعْمَارِ»[[20]](#footnote-20)، «نیکوکاری و خوش‌اخلاقی عمر را زیاد می‌کنند و جامعه را آباد می‌کنند.»

جامعه‌ای که مبتنی بر مودت، محبت، اخلاق و معاشرت خوب نسبت به یکدیگر باشد، به‌صورت طبیعی آباد است و بسیاری از مشکلات روحی، روانی و عصبی از بین خواهد رفت؛ یکی از آثار و عوارض صنعت و صنعتی شدن در جوامع غربی ضعیف شدن عواطف انسانی و تحت‌الشعاع کار قرار گرفتن روابط انسانی است؛ لذا امروز مشکلات و مسائل روحی و روانی در غرب بیداد می‌کند.

در برخی از آمارها گفته می‌شود از هر سه یا چهار نفر در بعضی کشورهای پیشرفته‌ی غربی، یک نفر مبتلی به امراض روحی، روانی و عصبی است؛ زیرا اخلاق، محبت و معاشرت خوب بین اعضای جامعه کم و انسان‌ها با یکدیگر بیگانه شده‏اند؛ بخشی از مشکلات روحی و روانی انسان در ارتباط با دیگران و روابط سالم حل می‌شود و اگر روابط جامعه، سالم باشد، زندگی راحت‌تر می‌شود.

به‌عنوان‌مثال در محیط خانه می‌بینید که اگر اصل بر حسن خلق باشد، چقدر بچه سالم زندگی می‌کند و اگر این اصل در جامعه تعمیم پیدا کند و بیشتر مورد توجّه قرار گیرد، جلوی بیشتر مشکلات روحی و روانی گرفته می‌شود.

###### خوش‌اخلاقی منشأ دوری از ذنوب

انسان به خاطر عصبی شدن به بسیاری از گناهان مانند ناسزاگویی و گناهان دیگر می‌افتد؛ بنابراین طبیعی است که یکی از عوامل بازدارنده از بسیاری از گناهان توجه به اخلاق و معاشرت خوب است. مرحوم علامه مجلسی در بحار الأنوار در باب حسن خلق همین بیان را دارند که

«اگر در جامعه بنا بر اخلاق و معاشرت خوب باشد بسیاری از گناهان مثل غیبت‌ها و تهمت‌ها و تعداد زیادی از گناهان با حسن خلق از بین می‌رود و جامعه الهی‌تر و مذهبی‌تر می‌شود.»

## دعا و سوره‏ی پایانی

از خدا توفیق عمل به دستورات اسلام و قوانین اسلام و اخلاقیات اسلام عنایت بفرماید.

«بسم الله الرحمن الرحیم، وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾»[[21]](#footnote-21)، «به نام خدا که رحمتش بی‌اندازه است و مهربانی‌اش همیشگی، سوگند به روزگار! (1) که بی تردید انسان غَرقِ در خُسرانِ بزرگ و سنگینی است. (2) مگر آنان که مؤمن‌اند و کارهای شایسته انجام داده‏اند و یکدیگر را به حقّ سفارش داشتند و به شکیبایی [در برابر حوادث، انجام عبادات و ترک گناهان] توصیه کرده‏اند. (3)»

# خطبه دوم

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[22]](#footnote-22) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## توصیه به تقوا

بار دیگر همه‏ی شما برادران و خواهرانِ نمازگزار و خودم را در جایگاه بندگی و نماز و در روزِ متعلّقِ به حضرت صاحب الزمانعج، به پارسائی و احتراز از گناه، یاد مرگ، عالم پس از مرگ، ذکر خداوند در همه‏ی حالات و یاد حضرت بقیۀ الله الأعظمارواحناله‏الفداه سفارش و دعوت می‌کنم؛ امیدواریم که خداوند همه‏ی ما را از مخلصان و مقرّبانِ بارگاه خودش و عاشقان ولایت اهل بیتعلیهم‏السلام و منتظران حضرت بقیۀ الله الأعظمارواحناله‏الفداه قرار بدهد.

## هفته‌ی بسیج

در آستانه‌ی هفته‌ی بسیج قرار داریم و هفته‌ی آینده هفته‌ی بسیج است؛ لذا باید در مورد بسیج، همان معنایی که با او، جنگ اداره شد و انقلاب حفظ شد، صحبت کرد.

#### هدف اصلی از بزرگداشت این هفته

قرار دادن هفته‌ای به نام بسیج، برای این است که روحیات بسیجی گری و مجاهده‌ی درراه خدا، در جامعه تداعی، زنده و تأکید شود؛ غرض اصلی بزرگداشت این هفته‌ها و مناسبت‌ها این است و باقی برنامه‌ها برای این است که به آن اصل، روحیات و معنویاتی که کشور برای آینده نیاز دارد، آشنا شویم؛ هدف اصلی این است و برنامه‌های دیگر هم باید در این جهت باشد.

#### بسیجیان، الگوهای نمونه و کم‏نظیر

در زمان انقلاب و جنگ، الگو و اسوه‌هایی پیدا شدند که برای پیشرفت و معنویت کشور نمونه بودند و باید گفت بعد از قرن‌ها و برخی از مقاطع صدر اسلام، چنین معنویت و روحیه‌ای هیچ‌وقت در هیچ نقطه‌ای از کشورهای اسلامی نبوده است.

#### روحیه‏ی بسیجی

آن روحیات به اسم روحیه‏ی بسیجی مشهور شده است و معنایی عامّ هم دارد؛ یعنی ممکن است کسی با پایگاه بسیج هم ارتباط رسمی نداشته باشد، ولی روحیات بسیجی دارد؛ اصل این روحیه است که واقعاً نمونه است.

##### برخی از خصوصیات روحیه‌ی بسیجی

روحیه‌ی بسیجی، خصوصیاتی دارد که به دو مورد اشاره می‌کنیم:

1. آگاهی سیاسی بسیجی و توجّه به مسائل سیاسی جامعه؛ این ویژگی از خصوصیات کشور، حزب‌الله و بسیج است و این روحیه باید حفظ شود؛ مقام معظم رهبریحفظه‏الله‏تعالی بر حفظ این روحیه، بسیار تأکید دارند و حتی با تندی فرمودند:

«خدا لعنت کند کسانی را که می‌خواهند دانشگاه‌های ما را غیرسیاسی کنند و جوانان ما را از توجّه به مسائل سیاسی و رشد سیاسی بازدارند؛ این واقعاً فاجعه است. این فرصت هفته‌ی بسیج را مناسب می‌دانم که روی این تأکید کنم.»

###### عدم توجه مردم به مسائل سیاسی، ضعف برخی جوامع

یکی از ضعف‌های برخی جوامع این است که توده و اکثریت مردم سیاسی نیستند و درک و تحلیل درستی از مسائل سیاسی و جهانی ندارند؛ کشور ما از معدود کشورهایی است که در طول دوره‌ی بعد انقلاب، مردمی سیاسی و اهل تأمّل و تفکّر سیاسی داشته است. در بعد انقلاب، مردم ایران رشدی داشته‌اند که اگر آن رشد نبود، امروز، بسیج هم نبود، حکومت الهی هم نداشتیم و احیاناً ایران هم تجزیه ‌شده بود.

###### عدم توجّه جوانان به مسائل سیاسی، راه نفوذ دشمن

این روحیه، کمتر در کشورهای دنیا وجود دارد و غربی‌ها هم این را می‌دانند که اگر بخواهند در کشوری نفوذ کنند، باید جوانان و مردم آن کشور را از سیاسی بودن و درک سیاسی داشتن دور کنند؛ در خطبه‌ها و موارد مختلف گاهی از یک مسئله‌ی سیاسی جهانی یا مسائل مختلف سیاسی صحبت می‌شود، ممکن است ابتدا به ذهن کسی بیاید که این مسائل چه ربطی به من دارد؛ ولی ربط دارد و مردمی که بخواهند مستقل باشند و آزاد زندگی کنند باید سیاست دنیا را بفهمند و شعور سیاسی داشته باشند. این ویژگی را مردم ما در طول جنگ و انقلاب داشتند.

دشمن باتجربه‌ای که دارد، می‌خواهد این روحیه را بگیرد و اگر با ترویج فساد، می‌خواهند جوانان را از مسائل سیاسی جدا کنند؛ این خواست استعمار است.

###### روش استعمار برای جدا کردن جوانان از سیاست

برای اینکه جوانان را از امر سیاسی و سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود غافل کنند، راه‌های مختلف دارند که مهم‏ترین راه، ترویج و توسعه‌ی فساد و فحشا است؛ جوانی که در منکرات افتاد، دیگر به فکر استقلال و عظمت کشور خود نیست و دنبال عیش و نوش است؛ این روشنی است که اگر کسی در شهوت‌رانی افتاد، دیگر به فکر دین، کشور و استقلال کشور نمی‌تواند باشد.

مسائل ورزشی در حدّ و جایگاه خود، معقول است و باید توسعه یابد و کسی مخالفتی ندارد؛ ولی اگر ورزش به حدّی توسعه و تقویت شود که سیاسی بودن، رشد معنوی و سیاسی مردم را تحت‌الشعاع قرار دهد، باید هدایت و کنترل شود؛ یعنی روح معنویت، اخلاق سیاسی و توجه به مسائل سیاسی به محیط‌های ورزشی منتقل شود؛ این یکی از ابعاد و مشخصات بسیجی است که دشمنان می‌خواهند نباشد و ما باید توجه داشته باشیم.

1. مشخصه‏ی دیگر روحیه‏ی بسیجی، معنویت و ایثار است؛ بسیجی کسی است که
2. با تعهد و بی‏توقع کار می‌کند؛ یعنی به آرمان، وظیفه و رسالت الهی تعهد دارد و توقعی ندارد.
3. درد و مشکل را تحمل می‌کند ولی برای خدا کار می‌کند.
4. وقت و سرمایه‌ی زندگی خودش را مصرف می‌کند.

اخلاص، معنویت، بی‏توقعی، آگاهی سیاسی و رشد اجتماعی که در جبهه‌ها وجود داشت، بی‏نظیر بود؛ یک جوان هفده ساله به درجاتی رسید که حضرت امام خمینیقدس‏سره فرمودند:

«من بر بازوان شما بوسه می‌زنم.»

و گاهی می‌فرمودند:

«من به حال اینها غبطه می‌خورم.»

ایشان اهل تعارف نبودند و واقعیتی است که وقتی بزرگان می‌دیدند، کسی در آن سن این‌طور معنوی شده است، غبطه می‌خوردند و این نسیم رحمت الهی بود که بر این نسل وزید و چنین انسان‌های بزرگی تربیت کرد؛ البته

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»[[23]](#footnote-23)، «از مؤمنان مردانی هستند که به عهدی که با خداوند [برای ثبات قدم و دفاع از حق تا نثار جان] بسته بودند وفا کردند، برخی از آنان [عهد خود را تا شهیدشدن] به انجام رساندند و برخی [شهادت را] انتظار می‌برند و به‌هیچ‌وجه [عهدشان را] تغییر نداده‌اند.»

این روحیه‌ی بسیجی است و کسانی که جدید می‌آیند باید توجه داشته باشند تعهد زیاد، توقع کم‌، توجه به امور سیاسی و مسائل اجتماعی اسلام و تلاش بر اجرای اسلام، باید در جامعه باشد و ما هم اگر مسلمانیم باید این‌طور باشیم.

#### امیرالمؤمنین نمونه‏ی اعلای بسیجی

نمونه و الگوی اعلای بسیجی بودن، حضرت امیرالمؤمنینعلیه‏السلام است، زیرا تا روز شهادت،

1. تعهدِ بی‌نهایت و بی‏توقعی را داشتند؛
2. از بیت‌المال مسلمین و از آن همه امکاناتی که داشت، چیزی برای خودش جمع نمی‌کرد و بسیار هم آن‌گونه کار می‌کرد.

بسیجی بودن یعنی همین و این روحیه باید در جامعه حفظ شود.

اصولاً کسانی که اهل نماز جمعه، جماعت و حضور در مراسم و شعایر الهی هستند، این ویژگی را دارند ولی باید این خصوصیت و روحیه‌ی بسیجی و تعهد به اسلام، ایثار و تلاش در راه خدا حفظ شود و به اعضای خانواده، جامعه و کسانی که توفیق نداشتند، صحنه‌های رزم در راه خدا را ببینند، سرایت و توسعه دهیم و حفظ کنیم.

#### حفظ و توجه به روحیات بسیجی

افرادی در محیط‌های مختلف علمی، شغل و نقاط مختلف هستند که روحیه‏ی بسیجی خود را هنوز حفظ کرده‌اند، یعنی شرایط کاری فرق کرده است، ولی روحیه‌ی معنویت، اخلاص و ایثار بسیجی، تعهد به اجرای اسلام، قوانین اسلام و پایبندی به دستورات ولایت امر و رهبری مشخصاتی است که باید حفظ شود.

امیدواریم در هفته‌ی بسیج بسیجیان، خانواده‌های شهداء، جانبازان، مفقودین و همه‌ی کسانی که خود اهل ایثار و رزم در راه خدا بودند، سعی در حفظ روحیات بسیجی داشته باشند و بدانند که همه در معرض خطر تهاجم فرهنگی هستند و دشمن می‏خواهد روحیات ما را بگیرد و روح یأس و بی‌توجهی را در این کشور بدواند.

کشوری که آن همه دستاوردهای معنوی و عظیم داشته و هنوز هم مثل یک کوه در دنیا استوار ایستاده است و همه‌ی دنیا باید روی این کشور، حساب کنند؛ اینها دستاوردهایی است که دشمن می‌خواهد ما را به‌گونه‌ای از درون خالی کند که مأیوس شویم و بگوییم هیچ نداریم درحالی‌که اینها دستاوردهای عظیمی است که ما به دست آورده‏ایم و امروز بر سفره نشسته‌ایم و داریم از آن استفاده می‌کنیم.

استقلال، عظمت و عزت این ملت دستاوردهایی بوده است که دشمن می‌خواهد ما را زا آن مأیوس کند؛ فکر نکنید کشورهای سرسپرده‌ی آمریکا مشکلاتشان حل شده است؛ به‌عنوان‌مثال الجزایر بار سنگین قرض‌های خارجی و مشکلات داخلی دارد؛ مصر و لبنان و ... گاهی بدتر از ما مشکل دارند؛ درحالی‌که این دین و استقلالی که ایران دارد، خودش تصمیم می‌گیرد و برنامه می‌چیند را ندارند؛ بنابراین ما آنچه را داریم، باید حفظ کنیم و برای آنچه نداریم، کار کنیم تا با یاری خداوند به دست بیاوریم.

## دعای پایانی

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ صِدْقَ النِّيَّةِ اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنينَ و َالْمُؤْمِناتِ و َالْمُسْلِمينَ وَ الْمُسْلِماتِ الْاَحْيآءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْواتِ

خدایا گام‌های ما را در راه خودت استوار بدار

ما را از بندگان مطیع خودت قرار بده

این ملت و امت اسلام را رستگار و پیروز فرما

خطرات را از نسلِ جوان، جامعه و امت اسلام دور فرما

سلام‌های خالصانه‏ی ما را به محضر حضرت بقیۀ الله الاعظمعج ابلاغ فرما

ارواح طیبه‏ی شهداء و روح مطهر امام را با اولیای خودت محشور فرما

جانبازان، مریضان و مریضانِ مورد نظر را شفا عنایت فرما

بر فرجِ حضرت بقیۀ الله تعجیل فرما

خدمت گذاران به نظام و مقام معظم رهبری را در پناه خودت محافظت فرما

## سوره‏ی پایان خطبه‏ی دوم

«بسم الله الرحمن الرحیم، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾»[[24]](#footnote-24)، «به نام خدا که رحمتش بی‌اندازه است و مهربانی‌اش همیشگی

بگو: حقیقت این است که خداوند، یگانه‏ی بی همتاست (1) خداوندی که [از همه‏ی موجودات] بی نیاز [و مرجع و ملجأ همه‏ی نیازمندان جهانِ هستی] است (2) چیزی را نزاده و زاییده نشده است (3) و اَحدی [در ذات و صفات و افعال]، همتا و مساوی او نبوده است (4)»

1. . اعراف (7): 43. [↑](#footnote-ref-1)
2. . آل‌عمران (3): 102. [↑](#footnote-ref-2)
3. . قلم (68): 4. [↑](#footnote-ref-3)
4. . فتح (49): 29. [↑](#footnote-ref-4)
5. . کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 2، ص 99، مصحح: علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیة، تهران، 1407. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سند روایت یافت نشد. [↑](#footnote-ref-6)
7. . کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 2، ص 222، مصحح: علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیة، تهران، 1407. [↑](#footnote-ref-7)
8. . همان، ص 100. [↑](#footnote-ref-8)
9. . همان، كتاب الإيمان و الكفر، بَابُ حُسْنِ الْخُلُق‏. [↑](#footnote-ref-9)
10. . همان، ص 226. [↑](#footnote-ref-10)
11. . قلم (68): 4. [↑](#footnote-ref-11)
12. . اعراف (7): 199. «گذشت [از اشتباه‏کاران] راپیشه‏ی خود ساز و به کارهای پسندیده فرمان بده و از نادانان رویگردان باش!» [↑](#footnote-ref-12)
13. . بقره (2): 201. «پروردگارا! به ما در دنیا از هرگونه خیر [و خوبی] و در آخرت هم از هر نوع خیر [و ثواب] عطا کن و ما را از عذابِ آتش نگهدار.» [↑](#footnote-ref-13)
14. . کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 2، كتاب الإيمان و الكفر، بَابُ حُسْنِ الْخُلُق‏. [↑](#footnote-ref-14)
15. . همان. [↑](#footnote-ref-15)
16. . همان، ص 226. [↑](#footnote-ref-16)
17. . همان، ص 100. [↑](#footnote-ref-17)
18. . مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج 75، دار احیاء تراث عربی، بیروت. [↑](#footnote-ref-18)
19. . کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 2، كتاب الإيمان و الكفر، بَابُ حُسْنِ الْخُلُق‏. [↑](#footnote-ref-19)
20. . همان، ص 100. [↑](#footnote-ref-20)
21. . عصر (103): کل سوره. [↑](#footnote-ref-21)
22. . آل‌عمران (3): 102. [↑](#footnote-ref-22)
23. . احزاب (33): 23. [↑](#footnote-ref-23)
24. . اخلاص (112): کل سوره. [↑](#footnote-ref-24)